

به نام خدا

شماره چاپ: ۵۹۹

دوره هشتم - سال اول

شماره ثبت: ۲۸۸

تاریخ چاپ: ۱۳۸۷/۱۲/۱۷

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست»

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۲.....	سابقه موضوع
۳.....	ارزیابی دلایل تقدیم لایحه
۶.....	بررسی مواد لایحه

کد موضوعی: ۲۴۰

شماره مسلسل: ۹۶۶۷

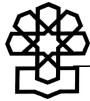
اردیبهشت ماه ۱۳۸۸



اظهار نظر کارشناسی درباره: «لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست»

چکیده

لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست با هدف اصلاح قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ ارائه گردیده و درصدد رفع محدودیت‌های موجود برای سرپرستی، گسترش دامنه شمول سپردن کودکان و نوجوانان واجد شرایط و تقویت شیوه مراقبت در خانواده‌های جایگزین است. این لایحه اصلاحاتی را نسبت به قانون فعلی به همراه دارد که از نقاط قوت آن محسوب می‌شود و در جهت گسترش قلمرو سرپرستی و بهبود وضعیت کودک و نوجوان تحت سرپرستی است؛ لکن برخی تغییرات صورت گرفته در قانون موجود با ایراد جدی مواجه است و با مصالح اجتماعی سازگار نیست. علی‌هذا به نظر می‌رسد می‌توان با اصلاح یا حذف موادی که با ایراد همراه است و حفظ اصلاحاتی که مناسب و موجه است، اصلاح قانون فعلی را پس از سه دهه اجرای آن به خوبی محقق ساخت.



مقدمه

لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست آن‌گونه که در مقدمه توجیهی آن آمده است درصدد اصلاح قانون مصوب ۱۳۵۳ است و هدف از آن اولاً رفع محدودیت‌های موجود، ثانیاً گسترش دامنه شمول سپردن کودکان و نوجوانان واجد شرایط به خانواده‌های دارای شرایط مقتضی، ثالثاً تقویت شیوه مراقبت در خانواده‌های جایگزین و رابعاً تصویب مقررات درخصوص فرزندان است که با حکم دادگاه به طور موقت به سازمان بهزیستی سپرده شده‌اند.

درخصوص هدف اخیر در مقدمه توجیهی آمده است که سکوت قانون مصوب سال ۱۳۵۳ موجب گردیده است سازمان بهزیستی به علت عدم مراجعه ولی یا سرپرست قانونی کودکان بی سرپرست و عدم تعیین تکلیف در مورد احکام صادر شده درخصوص سپردن آنها به خانواده‌های متقاضی واجد شرایط با مشکل جدی مواجه گردد.

سابقه موضوع

در زمینه حمایت از کودکان بدون سرپرست قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست در تاریخ ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ به تصویب رسیده است. این قانون از آن جهت «قانون فرزندخواندگی» نامیده نشده که نهاد فرزندخواندگی یا تبنی در حقوق اسلام به



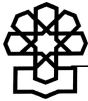
رسمیت شناخته نشده است.^۱ اما باید توجه داشت که نهاد سرپرستی تا حدی مشابه فرزندخواندگی است و خلأ عدم پذیرش آن را تا حدودی پر می‌کند.

پس از انقلاب نیز علاوه بر اصل بیست‌ویکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر تضمین بیمه و رفاه کودکان بی‌سرپرست تأکید می‌کند، قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست نیز در تاریخ ۱۳۷۱/۸/۲۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و حمایت‌هایی را نسبت به کودکان بی‌سرپرست مقرر کرده و سازمان بهزیستی کشور را مجری آن قرار داده است.

ارزیابی دلایل تقدیم لایحه

این لایحه با توجه به مواد آن به‌واقع برخی محدودیت‌ها را در زمینه سرپرستی کودکان بدون سرپرست مرتفع کرده و دامنه شمول نهاد سرپرستی را گسترش داده و در عین حال راهکارهایی را نیز برای تقویت شیوه مراقبت در خانواده‌های جایگزین پیش‌بینی کرده است. به‌عبارت دیگر، این قانون با تغییر عنوانی که در آن نسبت به قانون ۱۳۵۳ رخ داده است، سن کودکان تحت شمول سرپرستی را از ۱۲ سال (بند «الف» ماده (۶) قانون ۱۳۵۳) به ۱۵ سال افزایش داده (ماده (۸) لایحه) و نوجوانان را نیز تحت شمول نهاد سرپرستی قرار داده است. به‌علاوه صدور حکم سرپرستی را منوط به تملیک بخشی از اموال متقاضی یا متقاضیان به کودک یا نوجوان کرده (ماده (۱۴) لایحه) و جهت تأمین هزینه‌های کودک و نوجوان تحت سرپرستی حتی پس از

۱. آیات ۴ و ۵ سوره احزاب.



فوت سرپرست یا سرپرستان، بیمه عمر به نفع آنان مقرر کرده است (ماده (۱۵) لایحه). علاوه بر این، لایحه کودک یا نوجوان تحت سرپرستی را در صورت فوت سرپرست یا سرپرستانی که مشمول یکی از صندوق‌های بازنشستگی هستند تا زمانی که سرپرست جدیدی برای او پیدا نشود در حکم افراد تحت تکفل متوفی محسوب کرده است (ماده (۱۹) لایحه).

باید اذعان کرد که همه موارد فوق از نقاط قوت لایحه محسوب می‌شود، لکن لایحه مزبور در یک نگاه کلی دارای ایراداتی نیز هست:

اولاً، در این لایحه به زنان و دختران بدون شوهر نیز حق داده شده است تا سرپرستی کودکان و نوجوانان بدون سرپرست را برعهده گیرند (بند «ج» ماده (۵)) در حالی که این امر می‌تواند موجب شود سنت نکاح مورد تشویق و ترغیب قرار نگیرد و وسیله‌ای برای ارضای کمبودهای عاطفی اشخاص مجرد فراهم شود و به‌علاوه می‌دانیم که تنها در خانواده از منافع طفل به شایستگی حمایت می‌شود و زنان و دختران بدون شوهر قادر به تأمین همه نیازهای کودک و نوجوان بدون سرپرست نیستند.

ثانیاً، در حالی که در (ماده (۱)) قانون ۱۳۵۳ تنها به زن و شوهر مقیم ایران با توافق یکدیگر حق سرپرستی داده شده در لایحه فعلی به کلیه اتباع ایرانی چه مقیم ایران باشند یا مقیم خارج از کشور حق سرپرستی اعطا گردیده است (ماده (۳) و ماده (۴) لایحه). این امر با توجه به عدم امکان نظارت بر افراد مقیم خارج از کشور می‌تواند موجب بروز مشکلاتی گردد.

ثالثاً، در لایحه به زن و شوهر دارای فرزند نیز حق سرپرستی اعطا شده است (بند



«ب» ماده (۵))، در حالی که روشن نیست این امر به مصلحت کودک و نوجوان بدون سرپرست باشد. چه، در غالب موارد فرزندان مورد توجه و لطف بیشتر قرار خواهند گرفت و این تبعیض می‌تواند آثار مخربی بر کودک و نوجوان تحت سرپرستی داشته باشد. به علاوه، مقررات دیگر لایحه تفکیکی میان کودکان و نوجوانان سپرده شده به این نوع خانواده‌ها و زن و شوهر بدون فرزند قائل نشده و تملیک بخشی از اموال را درباره همه آنها لازم شمرده است. بدین ترتیب، فرزندان زن و شوهر متقاضی سرپرستی نسبت به کودک و نوجوان پذیرفته شده احساس خوشایندی نخواهند داشت.

رابعاً، هرچند در مقدمه توجیهی لایحه آمده است که قانون ۱۳۵۳ درباره کودکانی که به طور موقت به سازمان بهزیستی سپرده شده‌اند ساکت است و لایحه فعلی درصدد رفع مشکل جدی ناشی از این سکوت است، لکن باید توجه داشت که بند «ب» ماده (۶) قانون فعلی کودکانی را نیز که به مؤسسه عام‌المنفعه سپرده شده و سه سال تمام پدر یا مادر یا جد پدری آنها مراجعه نکرده باشند تحت شمول سرپرستی قرار داده است و تنها اصلاح انسجام شده در لایحه جدید آنهاست که سه سال مزبور در بند «ب» ماده (۶) به دو سال تقلیل یافته است (بند «ج» ماد (۹) لایحه).

خامساً، برخی نواقص قانون ۱۳۵۳ به قوت خود باقی است یا در برخی موارد لایحه به نحوی تنظیم شده که نواقص قانون بیشتر شده است. مثلاً قانون ۱۳۵۳ نسبت به مسئولیت اداره اموال و دارایی‌های صغار ساکت است و روشن نیست از این جهت کدامیک از زوجین در حکم ولی است؛ امری که ممکن است ولایت چند تن بر کودک را در پی داشته باشد که مفسده به بار می‌آورد. با این همه، لایحه نیز در (ماده (۱۶)) مسئله را حل نکرده است.



در لایحه فعلی تکلیف اموال تملیک شده به کودک یا نوجوان پس از فوت سرپرست یا سرپرستان اصلاً روشن نشده است در حالی که در قانون ۱۳۵۳ تبصره ماده (۵) هرچند با عباراتی نارسا، قاعده‌ای را در این زمینه وضع کرده است. همچنین، در بند «۲» ماده (۱۶) قانون ۱۳۵۳ از دست دادن قدرت برای تربیت و نگاهداری طفل موجب فسخ حکم سرپرستی محسوب شده است؛ لکن لایحه در ماده (۲۷) چنین امری را از موجبات فسخ حکم محسوب نکرده است.

بررسی مواد لایحه

ماده (۱)

در ماده (۱) لایحه آمده است که «سرپرستی کودکان و نوجوانان فاقد سرپرست مطابق مقررات این قانون صورت می‌گیرد، در حالی که ممکن است کودک و نوجوان سرپرست داشته باشد ولی سرپرست قانونی غبطه کودک را رعایت نکرده و دادگاه سرپرستی آن را به سازمان بهزیستی سپرده باشد.

براین اساس، پیشنهاد می‌شود ماده به شکل زیر اصلاح شود:

«سرپرستی کودکان و نوجوانان به منظور تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان مطابق مقررات این قانون صورت می‌گیرد».

ماده (۲)

در ماده (۲) قانون فعلی آمده است که «سرپرستی در هر حال از موجبات ارث نخواهد



بود» در حالی که در لایحه فعلی چنین امری ذکر نشده است. هرچند از عموماًت نیز باتوجه به اصل عدم توارث همین امر به دست می آید، لکن به نظر می رسد تصریح بدان بهتر باشد.

ایراد دیگر این ماده آن است که عبارت «امور راجع به سرپرستی کودکان و نوجوانان بی سرپرست» روشن نیست و عدم ذکر این ماده خللی به کل لایحه نمی رساند، زیرا مواردی که امری برعهده سازمان بهزیستی است در ادامه مورد تصریح قرار گرفته است.

ماده (۳)

در ماده (۱) قانون فعلی آمده است که «هر زن و شوهر مقیم ایران می توانند با توافق یکدیگر طفلی را با تصویب دادگاه و طبق مقررات این قانون سرپرستی نمایند» به نظر می رسد گسترش اعطای سرپرستی به اتباع ایرانی مقیم خارج به مصلحت نیست. زیرا نحوه اعمال نظارت سازمان بهزیستی در طول دوران سرپرستی نسبت به اتباع ایرانی مقیم خارج روشن نیست. بنابراین پیشنهاد می شود ماده (۱) قانون ۱۳۵۳ جایگزین این ماده و تصریح شود که زن و شوهر متقاضی سرپرستی باید در قید نکاح دائم باشند نه موقت.

براین اساس، لازم است ماده (۳) بدین نحو اصلاح شود: «هر زن و شوهر دائمی مقیم ایران می توانند با توافق یکدیگر سرپرستی کودک یا نوجوانی را طبق مقررات این قانون با حکم دادگاه صالح برعهده گیرند».



ماده (۴)

درباره ماده (۴) لایحه نیز ایرادی که درخصوص ماده (۳) گفته شد وجود دارد. به علاوه، ظاهراً منظور آن بوده است که ایرانیان مقیم خارج از کشور می توانند تقاضای سرپرستی خود را رأساً یا از طریق سفارتخانه به سازمان تقدیم کنند که البته با توجه به مطالب گفته شده در مورد ماده (۳) حذف این ماده نیز مورد پیشنهاد است.

ماده (۵)

در این ماده توسعه سرپرستی به خوبی مشهود است. در ماده (۱) و (۳) قانون ۱۳۵۳ تصریح شده است که تنها زن و شوهر بدون فرزند آن هم به طور مشترک می توانند تقاضای سرپرستی کنند. واگذاری سرپرستی به زن و شوهر دارای فرزند چندان به مصلحت نیست و نمی توان اطمینان داشت که تبعیض میان کودکان صورت نگیرد. واگذاری سرپرستی کودک یا نوجوان به زنان و دختران بدون شوهر نیز مغایر ترغیب و تشویق به نکاح و تشکیل خانواده و خلاف مصلحت است. به همین جهت پیشنهاد می شود بند «ج» و تبصره «۳» ماده (۵) حذف گردند و سرپرستی زن و شوهر دارای فرزند نیز به طور کاملاً استثنایی و با دلایل ویژه پذیرفته شود و در کل زوجیت دائمی برای سرپرستی لازم باشد.

تبصره «۱» ماده (۵) نیز نسبت به تبصره «۲» ماده (۳) قانون ۱۳۵۳ این تفاوت را دارد که در قانون ۱۳۵۳ کلمه «می تواند» آمده است و به دادگاه اختیار اعطای معافیت داده شده است در حالی که تبصره «۱» ماده (۵) لایحه نذری از اختیار دادگاه به میان نیاورده است که البته این اصلاح با ایراد جدی مواجه نیست.



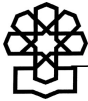
از سوی دیگر باتوجه به مطالب سابق‌الذکر پیشنهاد می‌شود تبصره «۳» این ماده نیز حذف و تبصره «۴» هم به‌نحوی اصلاح گردد که واگذاری سرپرستی به افراد بالای ۶۰ سال امکان‌پذیر نباشد. زیرا به هر حال باید سرپرست یا سرپرستان بتوانند تا مدت معقولی، ثبات زندگی را برای کودک یا نوجوان فراهم کنند و بیم فوت آنان در فاصله کوتاهی پس از سرپرستی وجود نداشته باشد. چنانچه اصلاح اصل ماده به‌نحوی که پیشنهاد شد مورد پذیرش قرار گیرد، می‌توان تبصره «۵» را نیز حذف نمود.

ماده (۹)

بند «ج» ماده مزبور مدت سه سال مقرر در بند «ب» ماده (۶) قانون ۱۳۵۳ را به دو سال تقلیل داده است و تکلیف سازمان بهزیستی را کوتاه کرده است که ظاهراً در جهت سیاست‌های سازمان است.

بند «د» این ماده جدید است و ایراد آن این است که ولایت را با سرپرستی در یک ردیف آورده است در حالی که اینها دو نهاد متفاوت هستند. ولایت نمایندگی قانونی کودک است و ربطی به نگاهداری کودک ندارد. به عبارت دیگر، نگاهداری کودک با اصطلاح حضانت در قوانین و مقررات آمده و ممکن است ولایت از آن شخصی باشد و حضانت برعهده شخصی دیگر. به همین جهت پیشنهاد می‌شود بند «د» بدین ترتیب اصلاح شود: «هیچ‌یک از پدر، مادر و جد پدری نتوانند نسبت به نگاهداری کودک و نوجوان اقدام کنند یا صلاحیت آن را نداشته باشند».

تبصره «۲» ماده (۹) نیز به نظر می‌رسد اصلاح خوبی است؛ لکن بهتر است جده



پدری یا مادری نیز اضافه شوند. در هر حال عبارت با «احراز شرایط مندرج در این قانون» بسیار کلی است و بهتر است منظور از شرایط که ظاهراً شرایط مقرر در ماده (۶) است دقیقاً ذکر شود.

ماده (۱۰)

در این ماده نیز خلط نهاد ولایت با سرپرستی به چشم می‌خورد که لازم است به‌نحو مذکور اصلاح شود. به علاوه، در این ماده به مواد (۱۱۸۴) و (۱۱۸۷) قانون مدنی اشاره و گفته شده است که «مسئولیت قیم یا امین مذکور در این مواد به یکی از درخواست‌کنندگان سرپرستی» واگذار می‌شود. توجه به محتوای مواد مورد اشاره و معنای قیم و امین نشان می‌دهد که ماده پیشنهادی لایحه با ایرادات اساسی مواجه است. ماده (۱۱۸۴) قانون مدنی به نصب قیم در موارد عزل ولی و ممنوعیت او از تصرف در اموال صغیر به دلیل عدم رعایت غبطه صغیر و وارد آوردن ضرر مربوط است که ربطی به نگاهداری کودک یا نوجوان ندارد و ماده (۱۱۸۵) نیز مقرر می‌کند «... اگر ولی قهری به واسطه کبر سن و یا بیماری و امثال آن قادر به اداره امور مولی‌علیه نباشد و شخصی را هم برای این امر تعیین ننماید طبق مقررات این ماده فردی به‌عنوان امین به ولی قهری منضم می‌گردد» که این هم ربطی به نگاهداری کودک ندارد. ماده (۱۱۸۷) قانون مدنی نیز راجع به مواردی است که ولی قهری به واسطه غیبت یا حبس یا به هر علتی نتواند به امور مولی‌علیه رسیدگی کند و کسی را هم از طرف خود برای این امر معین نکرده باشد که در این حالت حاکم امینی را برای تصدی و اداره اموال مولی‌علیه و سایر امور راجعه به او موقتاً معین و به ولی قهری ضمیمه می‌کند. بنابراین ماده اخیر



نیز به اداره امور مولی علیه مربوط است و درباره حضانت و نگاهداری نیست. ماده‌ای که می‌تواند ارتباطی با بحث مزبور پیدا کند، ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی است که به تعیین تکلیف حضانت طفل در صورت عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر و مادر می‌پردازد، لکن از آنجا که درباره کودک یا نوجوانی که به‌طور موقت به سازمان بهزیستی سپرده می‌شود در مواد دیگر احکامی مقرر شده است، ذکر بند «د» ماده (۹) و کل ماده (۱۰) بی‌فایده به‌نظر می‌رسد و پیشنهاد می‌شود که مواد مذکور حذف گردند والا لازم است ماده (۱۰) به شکل زیر اصلاح شود:

«در کلیه مواردی که هیچ‌یک از پدر یا مادر یا جد پدری نتوانند مسئولیت نگاهداری کودک یا نوجوان را انجام دهند یا صلاحیت آن را نداشته باشند، دادگاه می‌تواند مطابق این قانون با رعایت ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی و با لحاظ نظر سازمان، سرپرستی کودک یا نوجوان را به یکی از درخواست‌کنندگان سرپرستی واگذار کند.»

ماده (۱۲)

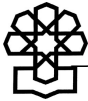
در این ماده آمده است که اگر در دوره آزمایشی هریک از شرایط مقرر در لایحه زایل شد، دادگاه می‌تواند قرار سرپرستی آزمایشی را فسخ کند، در حالی‌که در (تبصره ماده (۳)) قانون ۱۳۵۳ آمده است: «باردار شدن زوجه یا تولد کودک در خانواده سرپرست در دوران آزمایشی موجب فسخ سرپرستی نخواهد بود». بنابراین، پیشنهاد می‌شود که تبصره مذکور به ذیل این ماده اضافه شود تا صرف باردار شدن زوجه موجب محرومیت کودک از داشتن سرپرست نشود.

ماده (۱۴)

در این ماده اولاً از دو واژه «اموال یا حقوق» در عرض هم استفاده شده است، در حالی‌که حقوق - که قطعاً منظور از آن حقوق مالی است - جزء اموال محسوب‌اند و ذکر جداگانه آن ضرورتی ندارد، ثانیاً به اموالی که به کودک یا نوجوان تملیک می‌شود «تضمین عینی» اطلاق شده است، در حالی‌که این استعمال برای این اصطلاح نیز صحیح نیست؛ چون، از یکسو حقوق جزء اعیان نیستند و از دیگر سو منافع نیز در زمره اموالند و در عین حال اگر هدف صرفاً تضمین باشد نیازی به تملیک اموال نخواهد بود. بنابراین، بهتر است این عبارت نیز اصلاح شود: «دادگاه در صورتی حکم سرپرستی صادر می‌کند که حداقل یکی از درخواست‌کنندگان سرپرستی بخشی از اموال خود را به کودک یا نوجوان تحت سرپرستی تملیک کند. تشخیص نوع و میزان مال با دادگاه است. در مواردی که دادگاه تشخیص دهد تملیک اموال به کودک یا نوجوان ممکن یا به مصلحت نیست و سرپرستی کودک یا نوجوان نیز ضرورت داشته باشد، دستور اخذ تعهد کتبی تملیک بخشی از اموال در آینده را صادر می‌کند. نماینده قانونی کودک یا نوجوان در اجرای این ماده سازمان است.»

ماده (۱۵)

این ماده به اصلاح عبارتی نیاز دارد؛ زیرا در ابتدا مقرر می‌کند که درخواست‌کننده سرپرستی باید به تأمین تمامی هزینه‌های کودک یا نوجوان تحت سرپرستی متعهد شود و سپس مقرر می‌کند «این حکم حتی پس از فوت سرپرست نیز تا تعیین سرپرست جدید جاری می‌باشد» که مقصود از آن روشن نیست. اگر منظور آن است





که «در صورت فوت سرپرست هزینه‌های مزبور از ماترک سرپرست پرداخت خواهد شد» بهتر است همین مطلب درج شود که در این حالت این هزینه‌ها مانند دیون متوفی تلقی می‌شود که به ترکه تعلق می‌گیرند. تنها ایرادی که باقی می‌ماند مربوط به زوجینی است که فرزندى داشته و سرپرستی را قبول کرده‌اند، در این صورت نیز میان فرزندان شخص و کودک و نوجوان تحت سرپرستی به نفع افراد اخیر تبعیض رخ می‌دهد. همین مطلب درباره آخرین حکم این ماده نیز وجود دارد. زیرا مقرر کرده است که ذی‌نفع بیمه عمر باید کودک یا نوجوان تحت سرپرستی باشد!

بر این اساس اصلاح ماده به نحو آتی مورد پیشنهاد است: «درخواست‌کنندگان سرپرستی باید متعهد شوند تمامی هزینه‌های مربوط به نگهداری و تربیت و تحصیل افراد تحت سرپرستی را تا پانزده سالگی تأمین کنند. در صورت فوت سرپرست مادام که سرپرست جدیدی برای کودک یا نوجوان معین نشده است، هزینه‌های مزبور از ماترک سرپرست پرداخت می‌شود. بدین منظور سرپرستان موظفند خود را نزد یکی از شرکتهای بیمه به نفع کودک یا نوجوان تحت سرپرستی بیمه عمر کنند».

ماده (۱۶)

عبارت «آنان مکلفند نسبت به تملک و انتقال دارایی‌های کودک یا نوجوان به نام آنان اقدام نمایند» هم نادرست و هم غیرلازم است و لذا حذف آن مورد پیشنهاد است.

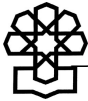
ماده (۲۲)

اشکال این ماده ابهام آن است. مثلاً اگر زنان و دختران بدون شوهر نیز حق سرپرستی داشته باشند آیا نام خانوادگی زن و دختر مجرد در شناسنامه کودک و نوجوان درج می‌گردد؟! به هر حال چنانکه قبلاً گفته شد اساساً نباید حق سرپرستی به زنان و دختران مجرد اعطا شود که در صورت لحاظ این امر، این ایراد سالبه به انتقای موضوع خواهد شد.

ماده (۲۳)

در ماده (۱۵) قانون ۱۳۵۳ خروج طفل در دوره آزمایشی از کشور منوط به موافقت دادستان محل است. اما در این ماده به‌طور کلی صدور گذرنامه و خروج کودک و نوجوان تحت سرپرستی از کشور چه در دوره آزمایشی چه بعد از آن و پس از صدور حکم سرپرستی به موافقت دادستان منوط شده است، ولی معلوم نیست که با چه مکانیسمی می‌توان از صدور گذرنامه برای کودک یا نوجوان تحت سرپرستی پس از صدور حکم سرپرستی و اصلاح شناسنامه جلوگیری کرد و خروج او را از کشور کنترل نمود.

بنابراین مقتضی است متن ماده بدین نحو اصلاح شود: «صدور گذرنامه و خروج کودک یا نوجوان تحت سرپرستی از کشور منوط به موافقت دادستان است. دادستان پس از جلب نظر کارشناسی سازمان و با رعایت مصلحت در این خصوص اتخاذ تصمیم می‌کند. سرپرست باید تضمین مناسب جهت بازگشت کودک یا نوجوان به دادستان بسپارد».



**ماده (۲۴)**

با توجه به اینکه تصریح به امکان ازدواج سرپرست با کودک یا نوجوان که موارد آن بسیار نادر است با اخلاق عمومی سازگار نیست، حذف این ماده و ایكال آن به قواعد عمومی راجع به نکاح به مصلحت است.

ماده (۲۵)

تنها ایراد این ماده، موقعیت و جای آن در مجموع مواد لایحه است که بهتر است در انتها و قبل از ماده (۳۸) ذکر گردد.

ماده (۲۷)

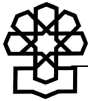
در بند «۲» ماده (۱۶) قانون ۱۳۵۲ موردی ذکر شده بود که موجب فسخ حکم سرپرستی تلقی می‌شد و در لایحه فعلی نیامده است: «در موردی که سرپرست قدرت و استطاعت برای تربیت و نگهداری طفل را از دست داده باشد». به نظر می‌رسد بهتر است این هم به ماده اضافه و متن آن به صورت زیر تنظیم شود: «حکم سرپرستی پس از جلب نظر کارشناسی سازمان، در موارد زیر فسخ می‌شود:

الف) منتفی شدن هریک از شرایط مقرر در ماده (۶) این قانون،

ب) تقاضای سرپرستان، در صورتی که سوء رفتار کودک یا نوجوان برای هریک از آنان غیرقابل تحمل باشد،

ج) توافق فرد تحت سرپرستی پس از رشد با سرپرست یا سرپرستان،

د) مشخص شدن پدر یا مادر کودک یا نوجوان و درخواست آنان برای فسخ حکم،



ه) در مواردی که سرپرست قدرت و استطاعت برای تربیت و نگهداری طفل را از دست داده باشد».

ماده (۲۸)

ایراد این ماده آن است که عبارت «... دادگاه با حصول شرایط این قانون ...» ابهام دارد و معلوم نیست منظور تدوین‌کنندگان لایحه از آن چیست و ضمانت اجرای این ماده و نحوه اعمال آن کدام است؟

علی‌هذا، پیشنهاد می‌شود این ماده با توجه به مطالب قبلی درباره نپذیرفتن درخواست زنان و دختران مجرد برای سرپرستی، حذف شود.

ماده (۳۱)

این ماده با اصل عطف بماسبق نشدن قوانین مغایرت دارد و حقوق مکتسبه افراد را مخدوش می‌کند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود این ماده حذف یا مواردی که عطف بماسبق شدن قانون در خصوص آن موارد بسیار ضروری است روشن گردد.

ماده (۳۶)

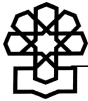
این ماده نیز به نظر نیاز به اصلاح عبارتی دارد؛ زیرا دقیقاً معنای موردنظر روشن نیست. در ماده (۹) قانون ۱۳۵۳ آمده است که «احکام صادر در کلیه امور مربوط به سرپرستی قابل رسیدگی پژوهشی و فرجامی است» در حالی که در ماده پیشنهادی منظور از «آرای صادره دادگاه» معلوم نیست؛ کدام دادگاه و کدام رأی؟ به نظر



می‌رسد بهتر است جنبه ایجابی به ماده داده و گفته شود «رأی دادگاه درخصوص فسخ حکم سرپرستی و رد درخواست متقاضی سرپرستی قابل تجدیدنظر و فرجام است».

ماده (۳۷)

نحوه تدوین و تنظیم ماده (۳۷) بسیار عجیب است؛ زیرا اگر انجام وظیفه مقرر در قانون برنامه چهارم توسعه یا قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست به تدوین آیین‌نامه اجرایی نیازمند است نیازی به ذکر آن در اینجا نیست و مقرر کردن تهیه آیین‌نامه قوانین دیگر، در این لایحه قابل توجیه نیست و اگر این قانون نیازمند آیین‌نامه است که باید با ذکر موارد به تهیه آن تکلیف شود. به هر حال در شکل فعلی، این ماده قابل ایراد است و حذف آن مورد پیشنهاد است.



شماره مسلسل: ۹۶۶۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اظهارنظر کارشناسی درباره: «لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست»

نام دفتر: مطالعات حقوقی

تهیه و تدوین: گروه حقوق خصوصی

مدیر مطالعه: گروه حقوق خصوصی

ناظران علمی: هاشم آهنگری، علیرضا عالی پناه

متقاضی: کمیسیون اجتماعی

همکاران: فرهاد نصرتی نژاد، مظفر کریمی (دفتر مطالعات اجتماعی)

همکاران خارج از مرکز: —

اظهارنظرکنندگان خارج از مرکز: —

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی (فارسی / انگلیسی): —

تاریخ شروع مطالعه: ۱۳۸۷/۱۲/۱۱

تاریخ خاتمه مطالعه: ۱۳۸۸/۲/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۲/۲۷